

تفاوت فرهنگ و تمدن از نظر یک آدم خیلی معمولی ! (نسخه چاپی)

این اولین مطلب در وب سایت Tosinso.com در خصوص فرهنگ و تاریخ و تمدن است و امیدوارم مورد توجه شما قرار بگیرد. بنده هیچ تخصصی در حوزه فرهنگ و تمدن و تاریخ شناسی و ایران شناسی و ... ندارم و به همین دلیل این مطلب حاصل تحقیقات من از محیط اینترنت ، مطالعات و البته نظر شخصی من در مقوله فرهنگ و تمدن است و طبیعتاً مطلب بدون اشکال نیست و از عزیزانی که مطلب را مطالعه می کنند درخواست دارم نظرات خودشان را حتما در ادامه عنوان کنند. قبل از اینکه نظر شخصی خودم را بیان کنم تعاریف مختلفی که در خصوص واژه های فرهنگ و تمدن از دیدگاه های مختلف وجود دارد را با هم بررسی می کنیم.

آیا فرهنگ و تمدن دو چیز جدا از هم هستند ؟

در این خصوص هنوز نظر قطعی وجود ندارد ، برخی فرهنگ را زیرمجموعه از تمدن می دانند ، برخی فرهنگ و تمدن را یک چیز و در قالب یک ماهیت می شناسند و آنها را جدا از هم نمی دانند و در نهایت برخی هم اعتقاد دارند که به کل فرهنگ و تمدن دو چیز کاملاً جدا و غیروابسته هستند. اما نظر شخصی من هم همینطور است ، به نظر من هم فرهنگ و تمدن دو چیز کاملاً متفاوت هستند و هیچ دلیلی وجود ندارد که کشوری با تمدن چند هزار ساله دارای فرهنگ غنی باشد. این موضوع برای خودش بحث های فراوانی دارد که در ادامه حتما مطرح خواهیم کرد. علوم اجتماعی در واقع همان رشته ای است که به صورت ویژه برای بیان کردن تفاوت بین فرهنگ و تمدن بصورت علمی وارد کار شده است. در علوم اجتماعی فرهنگ و تمدن را درون دو کفه ترازو قرار می دهند یعنی بعضاً ممکن است فرهنگ کشوری بیشتر از تمدن آن باشد و برعکس تمدن کشوری بیشتر از فرهنگ آن باشد.

تفاوت تعریف فرهنگ و تمدن چیست ؟

خوب بصورت عامه اگر بخواهیم نظر بدیم فرهنگ آن چیزی است که در جامعه از رفتار و برخورد مردم مشاهده می شود و تمدن چیزی است که در تاریخ آن مردم درج شده است و باید برای مطالعه در خصوص تمدن کتاب های تاریخی آن کشور را مشاهده کرد. اما تعریفی که مثلاً یونسکو از فرهنگ دارد به این شکل است که فرهنگ مجموعه ای از خصوصیات مادی و معنوی ، فکر و عاطفی است که به یک گروه اجتماعی یا به یک جامعه هویت می بخشد. به زبان ساده تر این فرهنگ است که هویت یک جامعه را نشان می دهد و دیگران جوامع بشری را با فرهنگ می شناسند. فرهنگ یک جامعه از هنر ، ادبیات ، باورها ، شیوه های همزیستی و حقوق اساسی بشر تشکیل شده است. اما تمدن بیشتر جنبه مادی قضیه را در بر می گیرد برای مثال تعریف تمدن را اینگونه هم بیان می کنند که تمدن به امور سطحی و زودگذر و آنی زندگی وابسته است و بیشتر جنبه اکتسابی و تقلیدی دارد؛ زودرس، زودیاب و معمولاً پایدار و تغییرپذیر است. در این مورد اصلاً شک نکنید که یک تمدن ممکن است دارای فرهنگ نباشد اما یک فرهنگ قطعاً دارای تمدن است . یکی از دلایلی که فرهنگ را زیرمجموعه ای از تمدن می دانند همین بحث عدم وجود فرهنگ در صورت نبودن تمدن است.

آیا یک تمدن می تواند شامل چند فرهنگ باشد ؟

قطعاً یک تمدن می تواند شامل چندین فرهنگ مختلف و متفاوت باشد . فرهنگ یک علم است که بسته به عوامل مختلف متفاوت است . برای مثال ما در کشور ایران یک تمدن چند هزار ساله داریم اما در همین تمدن فرهنگ های مختلفی وجود دارد که از آن جمله برای مثال کردها ، ترک ها ، بلوچ ها ، شمالی ها ، جنوبی ها و ... هر کدام دارای ویژگی ها و فرهنگ های متفاوتی هستند اما فراموش نکنید که در یک تمدن معمولاً نقاط مشترکی از ابعاد فرهنگی دیده می شود برای مثال اعتقادات و باورهای ترک ها و کردها بعضاً با همدیگر متفاوت است با اینکه از نظر فرهنگی تقریباً فرهنگ های یکسان و مشابهی دارند.

چه عواملی در شکل گرفتن فرهنگ یک جامعه تاثیر گذار هستند ؟

برخلاف تمدن که بیشتر عوامل جبری باعث شکل‌گیری آن هستند، شکل‌گیری یک فرهنگ در هر تمدنی دارای عوامل بسیار زیادی است که از آن جمله می‌توانیم به وجود آمدن شهرها، قدرت‌های سیاسی، قدرت‌های اقتصادی، دین، جامعه و زندگی، کار، طبیعتا و ثروت، تکالیف و حقوق شهروندی، آموزش و یادگیری، حکومت‌ها و ... تنها چند نوع از عواملی هستند که در سطح فرهنگی یک تمدن بسیار تاثیر گذار هستند. برای مثال اگر در کشوری مردم دارای رفاه و اقتصاد موفق تری باشند، اگر آموزش‌های مناسبی دیده باشند، اگر آزادی‌های لازم وجود داشته باشد، اگر اعتقادات دینی سالمی داشته باشند و ... این تمدن مستعد تبدیل شدن به یک تمدن با فرهنگ غنی است. و برعکس حتی اگر در گذشته تمدنی دارای یک فرهنگ غنی بوده باشد با گرفته شدن آزادی‌ها، کار، قدرت اقتصادی و آموزش‌های نادرست و ... این تمدن کم‌کم از فرهنگ خودش دور شده و تبدیل به یک تمدن کم‌فرهنگ یا بدفرهنگ می‌شود.

نتیجه‌گیری

تمدن و فرهنگ در واقع دو چیز متفاوت هستند، فرهنگ بدون وجود تمدن به وجود نمی‌آید پس از این لحاظ می‌توان فرهنگ را زیر مجموعه ای از تمدن دانست. تشکیل شدن فرهنگ در یک تمدن به عوامل بسیار زیادی وابسته است و بعضا فاکتور زمان تاثیر چندانی در شکل‌گیری یک تمدن با فرهنگ ندارد برای مثال ممکن است تمدنی چند هزار ساله به دلیل نبود عوامل ذکر شده کم‌کم رو به بی‌فرهنگی برود. تمدن وایکینگ‌ها و تمدن ایرانی‌ها هر دو تمدن بودند اما یکی از آنها به عنوان تمدنی با فرهنگ و دیگری به عنوان تمدنی خشن و بی‌فرهنگ و ترسناک در تاریخ یاد شده است. فرهنگ قابل تغییر است و می‌تواند مرتب تغییر کند اما معمولا تمدن چیزی است که ثابت است و تغییر چندانی ندارد.

تمدن بیشتر جنبه ذاتی و اجتماعی دارد اما فرهنگ بیشتر جنبه اخلاقی و بعضا فردی دارد. فرهنگ را می‌توان به تکامل فردی مرتبط کرد، هر چقدر انسانی در یک تمدن بیشتر به دنبال فهمیدن، دریافتن، اندیشیدن و کسب آگاهی بیشتر باشد آن تمدن دارای فرهنگ غنی تری است. در برخی تعاریف آمده است که فرهنگ می‌تواند بدون وجود تمدن هم به وجود بیاید ولی به نظر من این مورد منطقی نیست! تا زمانیکه تمدنی وجود نداشته باشد هر چند کم‌سن و سال نمی‌توان منتظر وجود فرهنگ در آن بود. تمدن معمولا چیزی قابل لمس است اما فرهنگ یک مسئله غیرقابل لمس و بیشتر ادراکی است. فرهنگ یادگرفتی است و قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر، اما انتقال یک تمدن بسیار کار پیچیده‌ای است. امیدوارم مورد توجه شما قرار گرفته باشد.

نویسنده: محمد نصیری

منبع: جزیره فرهنگ و جامعه وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی می‌باشد

mohammad osoolian

کلید بخش فرهنگ رو هم که زدین (: به امید گسترش و پیشرفت توسینسو

مطلب اصلی